



شجاعت ادبی

مردن اندر شجاعت ادبی
بهتر از چاپلوسی و جلبی
من بر آنم که نیست زیر سپهر
صفتی چون شجاعت ادبی
نجبای جهان شجاعانند
به شجاعت در است منتخبی
راست باش و مدار باک از کس
این بود خوی مردم عصبی
سخت رویی ز گریزی بهتر
احمدی خوینتر ز بولهبی
چشم بردار از آن کسان که سخن
بیخ گوشی کنند و زیر لبی
سخنی راستا به مذهب من
به ز سیصد نماز نیم شبی
گفته ای عامیانه لیک صریح
به ز هفتاد خطبه عربی
طفل گستاخ نزد من باشد
پیر و آن پیر چربه گوی، صبی
در جهانند بخردان و ردان
کمتر و بیشتر جان و غبی
تو از آن مردمان کمتر باش
این بود معنی فزون طلبی
یار اهریمنند مکر و دروغ
اینچنین گفت زردهشت نبی
از حسب مرد را شرف خیزد
چیست فخر شرافت نسبی؟
هان تو گستاخی و شجاعت را
هرزه لائی مگیر و بی ادبی
با ادب باش و راست باش و صریح
راه حق جوی از آنچه می طلبی
مگزین مذهب از برای ذهب
این بود فخر دوره ذهبی

ملک الشعراى بهار - تهران 1308